

# مأمور Z ۳

مأمور Z

و پنگوئنی از مریخ

نویسنده: مارک هادون

مترجم: بیتا ابراهیمی

## حمله‌ی ساییدباتم‌ها



داشتم پرونده‌ی کوسه‌ی سفید بزرگ را می‌خواندم که زنگ در  
به صدا در آمد.

فکر کردم جنکس و بارنی هستند. گفتم: «من باز می‌کنم.»  
کتاب را کنار گذاشتم، یک قاشق دیگر کمپوت زردآلو خوردم و  
راه افتادم توی سالن.

جنکس و بارنی نبودند. دو تا آدم بزرگ و دو تا بچه که تا حالا  
توی عمرم ندیده بودمشان، جلوی در ایستاده بودند و به من لبخند  
می‌زدند. یک چیزشان عجیب بود، ولی دقیقاً نمی‌فهمیدم چیست.